

وضعیت‌شناسی الگوی استحکام خانواده در فقه و تجربه جمهوری اسلامی در تحقق این الگو*

راضیه زارعی

دکتری علوم سیاسی و دبیر گروه «فقه سرمایه اجتماعی»

مؤسسه فتوح اندیشه

محمد زارعی (دکتری مشاوره خانواده)

محمد ابراهیم زارعی گلپایگانی

مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم

چکیده

استحکام خانواده یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه و دولت اسلامی است. با تشکیل نظام اسلامی مبتنی بر نظریه فقهی، فقه شیعه در موقعیتی قرار گرفته است که می‌بایست قواعد رفتاری جامعه و حکومت را تبیین و ارائه نماید، لذا استخراج الگوی استحکام خانواده از فقه، هدف این پژوهش قرار گرفته است. از سوی دیگر سیاست‌ها و عملکردهای دولت بر خانواده تأثیر قابل توجهی دارد، لذا ضرورت دارد اقدامات دولت در زمینه خانواده مورد مطالعه قرار بگیرد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که اقدامات دولت در زمینه استحکام خانواده تا چه حد مبتنی بر فقه است؟ روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار است؛ یعنی براساس الگوی استنتاج شده از فقه محورهای استخراج و بر اقدامات دولت عرضه و متناظر به آنها اطلاعات مورد نیاز گردآوری می‌شود. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش بدین شرح است: فقه برای تحکیم خانواده بر هم‌کفو بودن در گزینش همسر، اخلاق نیکوی زوجین، تأمین نیازهای جنسی همسران در درون خانواده، فرزندآوری، احترام به قوامیت مرد و پرورش قدرت نرم زن در خانواده و مدیریت اقتصاد درون خانه تأکید می‌کند. اقدامات دولت که شامل سیاستگذاری و قانونگذاری، رسانه ملی، تعلیم و تربیت و ... است، گاه‌ها در این مسیر حرکت نمی‌کند بلکه در جهت مخالف این الگوست.

واژگان کلیدی: خانواده، الگوی تحکیم خانواده، فقه خانواده، الگوی تحکیم خانواده در ج.ا.ا.

* مستخرج از طرح پژوهشی فدا با عنوان «وضعیت‌شناسی فقه و دولت در تشکیل خانواده» در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اسلامی فتوح اندیشه.

** دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۰ تایید: ۱۳۹۹/۴/۲۰

مقدمه

اهمیت پرداختن به موضوع «تحکیم خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. آینده هر جامعه و نقش‌آفرینی و توسعه آن در گرو بالندگی و قوام تک‌تک خانواده‌های آن است. ناسازگاری در جامعه از وجود خانواده‌های ناسازگار و مضطرب در درون خود حکایت می‌کند. از این‌رو باید به عوامل قوام و استحکام خانواده توجه خاصی کرد. مسأله استحکام خانواده یکی از مهم‌ترین مسأله‌های جامعه و دولت اسلامی است.

با وجود این‌که خانواده کم‌تر در تعامل مستقیم با دولت قرار دارد، اما سیاست‌ها و عملکردهای دولت بر آن تأثیرگذار بوده است؛ لذا ضرورت دارد اقدامات دولت در زمینه خانواده مورد مطالعه قرار بگیرد. از آن‌جا که با تشکیل نظام اسلامی، فقه شیعه در موقعیتی قرار گرفته است که می‌بایست قواعد رفتاری جامعه و حکومت را تبیین و ارائه نماید، باید الگوی استحکام خانواده را از فقه استخراج کرد.

این مقاله در راستای پاسخ به سوال اصلی که اقدامات دولت در زمینه استحکام خانواده تا چه حد مبتنی بر فقه است، به دو بخش کلی تقسیم شده است. در بخش اول الگوی استحکام خانواده از فقه استخراج شده است. الگوی فقهی بیشتر به احکام الزامی پرداخته، اما منحصر به احکام الزامی نیست. گاه به مستحبات و مکروهات و حتی احکام وضعی نیز پرداخته است. در بخش دوم تجربه جمهوری اسلامی در عملیاتی کردن این الگو مورد ارزیابی قرار گرفته است.

عوامل استحکام خانواده در فقه

هم‌کفوی در انتخاب همسر، تامین نیازهای جنسی درون خانواده، اخلاق‌مداری، فرزندآوری، توزیع قدرت و تفکیک نقش‌ها و مدیریت اقتصاد خانواده از عوامل استحکام خانواده در فقه است:

۱. هم‌کفو بودن در گزینش همسر

یکی از اموری که نقشی تعیین‌کننده در استحکام خانواده دارد، رعایت اصل «هم‌کفو» بودن در مرحله انتخاب همسر است. احراز برخی هم‌سانی‌ها بین زن و شوهر، شرط لازم یا اولویت همسرگزینی تلقی می‌شود. اولویت وجود حداقل‌هایی از هم‌سانی بین زن و شوهر در همه جوامع علی‌رغم تفاوت جوامع مختلف با یکدیگر پذیرفته شده است. همتایی زوجین، برابری زوج و زوجه در دین، حسب، نسب و موقعیت اجتماعی و غیر آن است (ابن‌منظور، بی‌تا، ۱: ۱۳۹).

در فقه شیعه نیز تمام فقهای امامیه، به هم کفوی زوجین در عقد نکاح اعتبار داده‌اند و در این زمینه اتفاق نظر دارند. بعضی برای آن باب مستقلی باز کرده‌اند (ابن‌ادریس، ۱۳۸۶، ۲: ۵۵۷) و بعضی دیگر در بین اسباب تحریم عقد، به آن پرداخته‌اند، (ابن‌فهد حلی، ۱۳۸۵، ۳: ۳۰۱) و عده‌ای آن را در الحاقات عقد آورده‌اند (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۷: ۳۵۸) و یا عده‌ای در ضمن مسائل، بحث کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۱، ۳: ۲۲۶).

۱.۱. هم‌کفوی اعتقادی: شیعه امامیه شرط هم‌کفوی را در بحث شرایط صحت عقد نکاح آورده است، ولی تعبیرش از آن، کفویت در دین و آزادی است. «شیخ مفید» در این رابطه در «مقنعه» گفته است: «مسلمانان غیر بنده، در اسلام و آزادی، کفو همدیگر در نکاح محسوب می‌شوند حتی اگرچه از نظر شرف و نسب با هم متفاوت باشند. باین، همان‌طور که مسلمانان در خون و قصاص مساوی یکدیگر هستند، به همین ترتیب، اگر شخص مسلمان واجد توانایی انفاق به آن گونه که بر شوهران لازم می‌شود، را داشته باشد و هم‌چنین برای ازدواج قادر بوده و از جهت سپردن افراد و اموال به او نیز قابل اطمینان باشد و نقص عقلی نیز نداشته و سفیه هم نباشد، چنین فردی واجد صفت «کفو» برای ازدواج می‌باشد» (مفید، ۱۳۷۲: ۵۱۲).

طبق متون فقهی شیعه و اهل سنت، ازدواج زن مسلمان با مرد کافر، جایز نیست و این حکم، مورد اتفاق است (علم‌الهدی، ۱۳۷۶، ۱۸) اما درباره ازدواج مردان مسلمان با زن غیرمسلمان اختلاف دیدگاه وجود دارد (ابن‌ادریس، همان، ۲: ۵۴۱؛ طوسی، بی‌تا: ۲۵۴؛ محقق کرکی، ۱۳۷۰، ۱۲: ۱۲۸). البته در بین فقهای شیعه درباره ازدواج مرد مسلمان با زنان کافری که دارای کتاب آسمانی نیستند، اختلافی دیده نمی‌شود. یعنی فقهای شیعه نیز مانند فقهای اهل سنت بر مشروع نبودن چنین ازدواجی وحدت نظر دارند و بدین ترتیب، همه مذاهب اسلامی در حکم این مسأله دیدگاهی واحد دارند.

۱.۲. هم‌کفوی در مذهب:

ازدواج مرد شیعه با زن اهل سنت جایز است (کرکی، ۱۳۷۰، ۱۲: ۱۲۸). البته حضرت امام این جواز را در صورتی می‌دانند که زن ناصبی نباشد (موسوی خمینی، بی‌تا، ۲، ۲۸۶). ولی مشهور فقها ازدواج زن شیعه با مرد اهل سنت را مکروه می‌دانند و این به این دلیل است که زن تحت تأثیر دین شوهرش است. از نظر اینان مراد از ایمان، ایمان به تشیع است (نجفی، ۱۳۹۲، ۲۲: ۳۳۸؛ انصاری، ۱۴۲۲، ۳: ۵۹۲).

۱.۳. هم کفوی در اقتصاد: در فقه شیعه یکی از شروطی که در عقد نکاح معتبر است، توانایی همسر در پرداخت نفقه می‌باشد. یکی از حقوق لازم و قانونی زن بر مرد، قدرت او بر ادای شئون مالی زندگی مشترک می‌باشد. تمکن زوج از پرداخت نفقه، که شامل تهیه غذا، پوشاک، مسکن و وسایل مورد نیاز و مناسب با شئون زن می‌باشد، از مهم‌ترین حقوق زن است. اکثر فقهای امامیه کفویت اقتصادی را مانند کفویت اعتقادی، شرط مصحح عقد نمی‌دانند، بلکه بین فقها اجماع وجود دارد که اگر زن با کسی ازدواج کند که از تنگ‌دستی او اطلاع داشته است، ازدواجش صحیح است (جبل عاملی، بی‌تا، ۷: ۴۰۶). بنابراین کفایت اقتصادی ملاک همسرگزینی نیست، اما تأثیرگذار در تحکیم خانواده است.

۱.۴. کفایت در اخلاق: پایبندی به اخلاق یکی از الزامات دین‌داری است. حکم فقهی کفایت دینی زوجین مبنای سازگاری اخلاقی زوجین است. یکی از مهم‌ترین مسائل اخلاقی که نقش اصلی در اختلال اهداف خانواده دارد زنا و فحشاست. مشهور فقها عقد زانیه قبل از توبه را مکروه می‌دانند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۲: ۲۵۴).

از روایات ائمه معصومین (ع) می‌توان به وضوح دریافت که ایمان و اخلاق خوب دو ویژگی کلیدی در انتخاب همسر است. اخلاق نیک گوهر بارزشی است که باعث آرامش خانواده و گرمی و صفای آن می‌شود. امام صادق (ع) فرموده: «چیره‌ترین دشمنان برای مؤمن، همسر بد اخلاق است» (صدوق، بی‌تا، ۳: ۲۴۶).

البته مسأله‌ای که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که عدم رعایت کفایت در این حدیث، در فقه امامیه به خودی خود موجب حرمت تکلیفی نمی‌شود و باعث بطلان و فساد عقد نیز نمی‌شود و برای کسی حق فسخ به‌بار نمی‌آورد، اما در تحکیم و ثبات زندگی سهم بسزایی دارد (همان: ۸۳).

۲. تأمین نیازهای جنسی

عامل دیگر تحکیم خانواده در فقه، تأمین نیازهای جنسی است که از مهم‌ترین دلایل تحکیم خانواده به‌شمار می‌آید.

در ادبیات اسلام، خانواده که با نکاح آغاز می‌شود، نهادی انحصاری در تنظیم روابط جنسی است و هیچ جایگزینی ندارد. از این روی تأمین این نیاز خارج از چارچوب خانواده حرام و جرم

است. طبقه‌بندی جرم عبارت است از: زناى به عنف، زناى با محارم، زناى با رضایت، زناى با کودکان، هم‌جنس‌گرایی مرد و زن.

فقه، ریاضت جنسی را نمی‌پذیرد، چرا که رابطه جنسی، تأثیر زیادی در نشاط و آرامش و کارآمدی خانواده دارد. اما بر تأمین نیازهای جنسی در درون خانواده تأکید دارد. محدود کردن ارتباط جنسی به حریم روابط زناشویی، رعایت عفت در پوشش، نگاه و رفتار، توجه به تفاوت‌های جنسی زن و مرد در راستای همین سیاست قابل ارزیابی است. مباحث فقهی و اخلاقی کمریند ایمنی به دور خانواده هستند که از طرف فقه ترسیم شده است.

۲.۱. حقوق جنسی مرد: در حقوق جنسی مردان دو بحث حق تمکین و عیوب جواز فسخ نکاح مطرح است. در راستای حق تمکین از زن خواسته شده که همیشه دارای زینت و آرایش برای شوهر باشد. از نظر حکم فقهی مکروه است که زن بدون آرایش و زینت باشد اگرچه پیر باشد و حتی اگر شوهرش نابینا باشد زن باید زینت و آرایشی داشته باشد که برای همسرش قابل درک باشد. همچنین مستحب است که زن هر شب خود را بر شوهرش عرضه کند (طوسی، ۱۳۸۸، ۴: ۱۱). با تمکین زن از مرد سلامت روانی در درون خانواده حفظ می‌شود و کانون خانوادگی مستحکم‌تر می‌شود. در عیوب جواز فسخ نکاح برای مردان، اگر زن دارای بیماری‌های واگیردار باشد یا در اندام‌های تناسلی‌اش کاستی‌هایی از نظر جسمی وجود داشته باشد، به‌گونه‌ای که امکان تمتع جنسی از زن برای شوهر را از بین ببرد، در این صورت شوهر می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: مسئله ۲۳۸۰).

۲.۲. حقوق جنسی زن: حقوق جنسی زن نیز به دو بخش حق نزدیکی و حق فسخ ازدواج تقسیم می‌شود. در حق نزدیکی، شوهر نمی‌تواند از نزدیکی با همسرش بیشتر از چهار ماه اجتناب کند: «ترک کردن وطی زن حتی زن انقطاعی در بیش‌تر از چهار ماه بنابر اقوی جایز نیست؛ مگر به اذن خود او. البته این حکم مخصوص، در صورتی است که شوهر یا زن عذری نداشته باشند، و اما در صورت داشتن عذر، ترک آن مطلقاً تا زمانی که عذر باقی است، جایز می‌باشد» (همان: مسئله ۱۳).

در حق فسخ ازدواج توسط زن، اگر قبل از عقد، مرد سه عیب اخته بودن، جب و عنن را داشته باشد و زن هنگام عقد نسبت به این عیوب اطلاعی نداشته باشد، بعد از عقد می‌تواند ازدواج را فسخ کند (همو، بی‌تا، ۲: ۲۹۲).

۲.۳. مدیریت مسائل زناشویی و جنسی: محدود کردن ارتباط جنسی به حریم روابط زناشویی و عفاف از زیرمجموعه‌های مدیریت مسائل زناشویی است. فقه ارتباط جنسی را محدود به خانواده کرده و خواهان رعایت حدود الهی و وفاداری نسبت به یکدیگر است. هرگونه رابطه نامشروع با زن یا مرد دیگر غیر از همسر در فقه شدیداً نفی شده است. قرآن کریم وقتی که صفات مردان و زنان مؤمن را بیان می‌کند، یکی از صفات آنان را حفظ عفت ذکر می‌فرماید: «وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ» (احزاب: ۳۵).

زنا در فقه مجازات سنگینی دارد. در مواردی حد زنا اعدام است، مانند زنا با محارم نسبی زنا با زن پدر- زنای غیر مسلمان - زنا با عفت و اکراه - کسی که سه مرتبه زنا کرده و حد بر او جاری شده در مرتبه چهارم باید کشته شود (نجفی، همان، ۴۱: ۳۰۹). در مواردی حد زنا سنگسار است مانند زنا با مرد محسن و زنا با مرد بالغ (همان: ۳۱۸-۳۲۲). در مواردی حد زنا تازیانه است و آن مردی است که هنوز ازدواج نکرده و زنی که محسنه نیست و اگر محسنه است با غیر بالغ زنا کرده است (همان: ۳۲۹). این احکام در راستای تحکیم خانواده است.

توجه فقه به تحکیم خانواده در حدی است که به اجماع فقها زن شوهردار یا زن در عده طلاق را نمی‌توان تعریض به عقد کرد؛ یعنی مرد نمی‌تواند لفظی را خطاب به زن بیان کند که در آن احتمال میل و رغبت در نکاح با او و احتمال امور دیگر وجود دارد. مثل آن‌که به زن بگوید: چه بسیارند کسانی که به تو تمایل دارند، من به تو میل دارم، تو بر من گرامی هستی و مانند آن (شهبید ثانی، ۱۳۹۲، ۹: ۱۸۸).

توصیه به حفظ عفاف نیز در راستای محدود کردن ارتباط جنسی به حریم روابط زناشویی است. حرمت نظر به نامحرم در فقه اسلامی مبنای فقهی عفاف است. به عنوان نمونه، صاحب عروه می‌فرماید: «جایز نیست مرد به زن نامحرم و زن به مرد نامحرم نگاه کند (بدون ضرورت) البته جماعتی صورت و کفین را استثنا کرده ولی احتیاط این است که اصلاً نگاه نکنند» (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۴: ۶۷۲).

۳. اخلاق

آیات قرآن تأکید زیادی به قاعده «معروف» دارند. فقها در موارد بسیار زیاد بر اساس اصل فقهی معروف فتوا داده‌اند.^۱

۱. در مورد نیاز زوجه به خادم در بحث نفقه گفته‌اند: نفقه خادم بر عهده زوج است زیرا این لازم‌ه معروف است (طوسی، ۱۳۸۸، ۶: ۴). و در مورد لوازم بهداشتی و وسیله تنظیف، زوج باید آن را تهیه کند به دلیل اصل معروف (فاضل هندی، ۱۳۷۶، ۲: ۱۰۹).

معروف توصیه به رعایت مسائل اخلاقی در عمل به تکلیف است. معروف این پیام را در بر دارد که در قلمرو خانواده، حقوق باید به رنگ اخلاق درآید. توجه هر چند دقیق به حقوق و تکالیف اعضای خانواده، بدون رعایت جنبه‌های اخلاقی، نمی‌تواند سعادت خانواده را تأمین و تضمین نماید (حکمت- نیامه، ۱۳۸۶، ۲: ۷۵). حسن معاشرت نماد حاکم شدن «اصل معروف» در زندگی است که باعث استحکام بنیان خانواده می‌شود. عمل به معروف در تمامی ارتباطات زوجین و حتی نحوه ارتباط والدین با فرزند سایه انداخته است. بسیاری از فقها، حسن معاشرت زوجین را در رعایت حقوق قانونی آنها نسبت به یکدیگر می‌دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۱، ۵: ۴۶۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۳، ۱: ۴۱۷-۴۱۹).

قرآن کریم اصل «حسن معاشرت» را اصل حاکم بر روابط زوجین می‌داند. در قرآن توصیه به حسن معاشرت گاهی به صورت غیر مستقیم بیان می‌شود: «و لهن مثل الذی علیهن بالمعروف؛ زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان» (بقره: ۲۸۸). و گاه به صورت مستقیم بیان می‌گردد: «الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان؛ طلاق رجعی دو بار است پس از آن یا (باید زن را) به خوبی نگاه داشت یا به شایستگی رها کرد» (بقره: ۲۲۹). در فقه مصادیق معروف را می‌توان در پنج بخش؛ اخلاق‌مداری در پرداخت‌های مالی (نقغه، مهریه، اجرت شیردهی)، روابط جنسی و انحلال ازدواج تقسیم‌بندی کرد.

۳.۱. اخلاق‌مداری در پرداخت‌های مالی: سرپرستی خانواده، مهم‌ترین تکلیف مرد در خانواده است. پرداخت نقغه، مهریه و اجرت شیردهی به زن به دلیل همین تکلیف کلان است. در فقه نقغه زن بر عهده شوهر است. قول مشهور در فقه شیعه آن است که ملاک تعیین نقغه، تأمین نیازهای زن در غذا، روغن، لباس، خانه، خادم و وسایل نظافت و چرب کردن پوست طبق عرف زنان مانند او در سرزمینی که زن زندگی می‌کند از نظر جنس و مقدار است؛ زیرا این لازمه معاشرت به معروف و انفاق به معروف است (فیض کاشانی، بی تا، ۲: ۲۹۸). این گونه بین یک تکلیف شرعی با اخلاق‌مداری پیوند برقرار می‌شود.

بین اخلاق‌مداری با مکلف شدن مرد در پرداخت مهریه‌ی همسرش ملازمه وجود دارد. این ملازمه به خصوص با تأمل در مفاهیم معادل مهریه در قرآن، از جمله «نحله» و «صدقات» برداشت می‌شود. آیه ۴ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» مفاهیم «بخشش بلاعوض» و «صدقات در پرداخت» از این دو واژه استنباط می‌شود. نحله به معنای بخشش و عطیه است. «پرداخت داوطلبانه» و «پرداخت بلاعوض و با طیب خاطر» از ویژگی‌های آن است (زاغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۷۸).

از تفاوت شیوه تعیین میزان نفقه و مهریه، در فقه اسلامی نیز می‌توان ورود اخلاق در بحث مهریه را استنباط کرد. این‌که میزان و شرایط نفقه زن متناسب با شأن و وضعیت وی پیش از ازدواج است، اما در تعیین میزان مهریه هنگام عقد نکاح شأن زن مؤثر نیست و تعیین مهریه تنها وابسته به تراضی زن و مرد است (نجفی، همان، ۳۱: ۳).

۳.۲. اخلاق مداری در روابط جنسی زوجین: مصادیق اخلاقی رابطه جنسی در فقه را می‌توان در قواعد اخلاقی که محدودیت‌هایی برای استمتاع غیر متعارف شوهر از زن به وجود می‌آورد، جستجو کرد. مانند قاعده لا ضرر و لا ضرار که منجر به حرام دانستن رابطه مقعدی از نظر بعضی مراجع و کراهت شدید از نظر عده‌ای دیگر شده است.^۱ همچنین حرام بودن نزدیکی در ایام قاعدگی از همین منظر قابل بررسی است (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۴۵۰ و ۴۵۲).

۳.۳. اخلاق مداری در انحلال ازدواج: حق طلاق برای مردان از مسائل مهم در نظام حقوقی خانواده در اسلام است که البته توصیه‌های اخلاقی مؤکدی در چگونگی استفاده از چنین حقی وجود دارد. بر اساس آیات ۲۲۹ و ۲۳۱ سوره‌ی مبارکه بقره تصریح شده است که مردان در زندگی زناشویی بیش از دو راه پیش روی خود ندارند: «زندگی با زن به شایستگی و همراه با ادای حقوق وی» یا «طلاق وی با احسان و نیکی». بنابراین توصیه‌های اخلاق‌مدار دین اسلام در امر انحلال خانواده نیز جریان دارد. در این آیات، معاشرت به معروف یک تکلیف شرعی برای مردان در نظر گرفته شده است. در میان فقهای معاصر آیت‌الله سیستانی برای حسن معاشرت علاوه بر حکم تکلیفی، حکم وضعی هم قرار داده‌اند: «اگر شوهری بدون دلیل شرعی، همسرش را اذیت و آزار کند او می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند تا شوهر، ملزم به حسن رفتار گردد و اگر سودمند واقع نشد به هرگونه که حاکم صلاح بداند او را تنبیه می‌نماید و اگر آن هم فایده نبخشید، زن می‌تواند درخواست طلاق کند و اگر شوهر، او را طلاق نداد و اجبار به حسن معاشرت، میسر نشد، حاکم شرع آن زن را طلاق می‌دهد».

۱. به نظر آیت‌الله خویی بنا بر احتیاط حرام است. به نظر آیت‌الله سیستانی اگر زن راضی نباشد، بنا بر احتیاط جایز نیست. به نظر امام خمینی، شیرری زنجانی، گلپایگانی، فاضل، صافی و نوری همدانی حرام نیست ولی مکروه است و کراهتش شدید است. (توضیح المسائل مراجع، ۱: مسئله ۴۵۰ و ذیل آن). به نظر آیت‌الله وحید اگر زن راضی باشد، مکروه است و اگر راضی نباشد حرام است (توضیح المسائل آیت‌الله وحید، مسئله ۴۵۶).

در این حکم ضمانت اجرای نقض معاشرت به معروف، الزام به رعایت معروف و در هنگام عدم تأثیر بخشی این الزام، تعزیر و در نهایت طلاق است. طلاق آخرین درمان است.

۴. وجود فرزند

نداشتن فرزند موجب کم‌رنگ شدن مهر و صفا در روابط زناشویی می‌شود و خانواده را با وجود داشتن جاذبه‌های دیگر در معرض بی‌ثباتی قرار می‌دهد. اسلام نیز رویکرد مثبتی به تولد فرزند دارد. آیاتی از قرآن کریم به دعای انبیا برای درخواست فرزند اشاره می‌کند. حضرت ابراهیم (ع) در دعاهای خود از خداوند فرزند صالح می‌خواهد و آیاتی هستند که قتل فرزند به دلیل فقر را نکوهش می‌کنند (اسراء: ۳۱). در فقه تولد فرزند عمدتاً در بحث فواید نکاح مطرح شده است. از نظر فقها تولد فرزند امری مستحب است. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی دلیلی برای استحباب در کتابش ذکر کرده که از فواید ازدواج زیادی نسل است و گوینده لاله‌الله. در این زمینه به روایتی از امام صادق (ع) از قول پیامبر اکرم (ص) استناد شده که فرمودند: چه چیزی مؤمن را از ازدواج منع می‌کند و حال آن‌که شاید خداوند به او فرزندی عنایت کند که زمین را با گفتن لاله‌الله سنگین کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۴، ۲: ۷۹۷). از نظر گروهی از فقها داشتن فرزند امری مطلوب است اما به وجوب فرزندآوری حکم نشده است. بلکه انسان به‌طور کلی می‌تواند از فرزندآوری جلوگیری نماید و یا فرزندان خود را زیاد نکند (مؤمن قمی، ۱۴۱۵: ۳۱).

۵. اقتصاد خانواده

فقه شیعه برای بهبود اوضاع اقتصادی و رابطه آن با استحکام خانواده بر دو مؤلفه تأکید دارد که عبارتند از: (۱) کسب رزق حلال (۲) پرهیز از تجمل و اسراف.

۵.۱. تلاش برای کسب رزق حلال: رزق به معنای عطا و بخشش مستمری است که به منظور ادامه حیات با نیاز فرد مطابقت دارد. از آن‌جا که روزی خداوند، عطای مستمر به آفریدگان است، از آن به رزق تعبیر شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۴: ۱۱۵). مال حرام رزق و روزی نیست، زیرا خدای متعال مردمان را به اتفاق کردن از آن‌چه روزی ایشان مقرر داشته می‌ستاید و اتفاق‌کننده از مال حرام - به اتفاق همگان - شایسته ستودن نیست، پس حرام رزق محسوب نمی‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۱۳۳).
درباره رزق حلال روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرموده‌اند: «من به شما فرمان نمی‌دهم مگر به آن‌چه خودمان را به آن فرمان می‌دهیم. پس بر شما باد به تلاش و کوشش. هنگامی که

نماز صبح را بجا آوردید و بازگشتید، پس صبح زود [در نخستین زمان روز] به دنبال طلب روزی روید و [رزق] حلال را بجوید؛ زیرا خداوند شما را روزی خواهد داد و شما را بر آن یاری و کمک خواهد کرد» (بروجردی، جامع الاحادیث الشیعه، ۲۲: ۸۱).

اگر معاش خانواده فقط توسط مرد صورت بگیرد، مرد از طریق کار، درآمد و روزی حلال، معاش و رفاه خانواده را عهده‌دار می‌شود. اتفاق به خانواده و اداره معیشت ایشان به‌نوعی صلهرحم بوده و موجب دوستی و محبت می‌شود و در نتیجه به استحکام خانواده می‌انجامد. از طرف دیگر، زن نیز با حفاظت از دارایی شوهر، به استحکام خانواده کمک می‌کند. چنان‌چه به‌دست آوردن مال حلال از راه کار گروهی باشد، این‌جا نیز رزق حلال به‌نوعی در استحکام خانواده و ایجاد محبت بین ایشان مؤثر است، زیرا با توجه به گستردگی اشکال و مصادیق صلهرحم می‌توان افراد فاقد شغل خانواده را به‌کار گرفت (رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). کسب روزی حلال باعث می‌شود انسان توانایی کمک به خویشانش را نیز داشته باشد. با توجه به آن‌که یکی از راه‌های صلهرحم کمک مالی به خویشان است. امام رضا(ع) بر کار زیاد برای رفاه تأکید می‌کنند: «آن‌کس که کار بیش‌تری می‌کند تا درآمدش برای خود و کسانش بسنده باشد، در نزد خدا پاداشی بزرگ‌تر از پاداش مجاهد فی سبیل‌الله دارد» (کلینی، ۱۳۶۲، ۵: ۸۱).

۵.۲. پرهیز از اسراف و تجمل: خداوند می‌فرماید: «ان المبذرين كانوا اخوان شیطان» (اسراء: ۲۷) این آیه یعنی حرمت تجملات. در اصطلاح فقها اسراف به معنای تجاوز نمودن از حد اعتدال است. در حدی که از نظر عقلاً ناپسند باشد (طبرسی، ۱۳۸۰، ۱۴: ۴۱۳). در ارتباط با اسراف هم حکم تکلیفی داریم و هم حکم وضعی. حکم تکلیفی اسراف حرمت آن است. علامه حلی بیان کرده‌اند برای سرپرست خانواده جایز نیست که خسیس باشد و بر افراد تحت سرپرست خود تنگ بگیرند و اسراف در نفقه نیز جایز نیست. بلکه باید مقتصد و میانه‌رو باشد (علامه حلی، ۱۴۰۰، ۱۴: ۲۵۶).

ضمان، حکم وضعی مترتب بر اسراف است و این مطلب در مواردی صدق می‌کند که حق دیگران با اسراف ضایع شود و البته این در صورتی است که اسراف به معنای تجاوز از حد معمول باشد. مثلاً در خمس، فقها بیان کرده‌اند که اگر مخارج از حد اعتدال بیش‌تر باشد جزء مؤونه نیست و خمس آن باید پرداخته شود. به عنوان نمونه محقق نراقی می‌گوید شرط مؤونه که از درآمد سال خارج شود و خمس به آن تعلق نگیرد این است که در حد شأن و معتدل باشد. ولی مخارجی که مصداق اسراف باشد مؤونه به حساب نمی‌آید (نراقی، ۱۳۷۳، ۱۰: ۶۶). این مسأله در مورد سهم

سادات نیز صدق می‌کند و لذا سهم سادات نیز نباید خارج از حد نیاز باشد و بر اساس اعتدال باید داده شود (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ۱: ۴۷۱). درباره افراد تحت سرپرست بحث ضمان صدق می‌کند، و اگر خانم خانه یا فرزندان در مصرف مال شوهر یا پدر از حد اعتدال خارج شوند، شامل ضمان در مال می‌شود و حرام است. درباره تجمل نیز در موارد خاصی از آن نهی شده است؛ تجمل نامتناسب و ناهماهنگ با وضع اجتماعی و اقتصادی زمان (حرعاملی، همان، ۵: ۸)، تجملی که سبب شهرت شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۶: ۳۱۳)، تجملی که متناسب وضع مالی شخص نباشد (همان: ۳۰۷-۳۰۸) و تجملی که از راه حرام باشد (حرعاملی، همان، ۵: ۶).

مرحوم نراقی اعتدال را وابسته به نظر عرف می‌داند و چند معیار را بیان کرده‌اند:

۱. تلف کردن مال مانند دور ریختن اضافه آب، نان و غذا از مصادیق عدم اعتدال است.
- ۲) اگر مصرف در حد نیاز باشد، اعتدال است.
- ۳) این که مصرف در شأن فرد باشد (نراقی، بی تا، ۱: ۶۶).

بررسی تجربه ج.ا.ا. در پیاده‌سازی الگوی استحکام خانواده مبتنی بر فقه

در بررسی تجربه جمهوری اسلامی ایران، تمرکز بر اقدامات دولت به معنای قوه مجریه نیست. بلکه مجموعه نهادهای حاکمیت اعم از قوای سه‌گانه، نهادهای سیاست‌گذار و دیگر نهادهای حاکمیتی را شامل می‌شود. اقدامات دولت در زمینه تحکیم خانواده به چند بخش تقسیم می‌شود: سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، رسانه ملی، کتاب‌های درسی و...

۱. کفویت در انتخاب همسر در قانون

در سراسر قوانین مدنی در بخش نکاح، توجه به همتمایی و هم‌سانی زوجین و مؤلفه‌های اثرگذار در آن مشهود است، اما از عنوان کلی «کفویت» به عنوان شرط صحت یا شرط همسر مناسب، سخن به میان نیامده است. کفائت اعتقادی، اقتصادی و شغلی از موارد هم‌کفوی است که در قانون به آن پرداخته شده است.

۱.۱. کفائت اعتقادی: قانون مدنی ایران درباره ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان ساکت است

و ظاهر آن است که قانون‌گذار، با توجه به فقه اسلامی، نخواستار است این ازدواج را منع کند. این معنا از مفهوم مخالف ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی: «نکاح مسلمه با غیرمسلمه جایز نیست» هم قابل استفاده است. مقصود این قانون جلوگیری از زناشویی زن مسلمان با مرد غیر مسلمان بوده است.

۱.۲. کفالت اقتصادی: قانون مدنی مصادیق نفقه را در ماده (۱۱۰۷) به تبعیت از فقه بدین شرح تعریف نموده است: «نفقه عبارت است از: همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». بنابراین قانون در این مورد، از فقه تبعیت کرده است.

۱.۳. کفالت شغلی: کفالت شغلی نیز مورد نظر قانون مدنی واقع شده است. طبق ماده (۱۱۱۷) قانون مدنی، یکی از حقوق غیر مالی زوج بر زوجه این است که مرد می‌تواند زوجه خود را از اشتغال به کاری که آن را منافی با حیثیات خود می‌داند، منع نماید. البته قانون مدنی در اینکه آیا زن نیز می‌تواند مرد را از اشتغال به شغلی که گمان می‌کند خلاف مصالح اوست منع کند، ساکت است. ولی در این خصوص، قسمت پایانی ماده (۱۸) قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ مقرر می‌دارد: «زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند». البته به نظر می‌رسد ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده از سویی با مفهوم ریاست شوهر بر خانواده سازگار نیست و از سویی دیگر این که زن بتواند شوهرش را «اگر در عقد لازم شرط نکرده باشد» از اشتغال به شغلی که گمان می‌کند که خلاف مصالح اوست برحذر دارد، خلاف فقه اسلام است. لذا قسمت پایانی ماده (۱۸) مصوب ۱۳۵۳ خلاف فقه اسلام است. به‌صورت کلی می‌توان گفت قانون مدنی به نوعی از لزوم هم‌کفوی در ازدواج سخن به میان آورده است و در این موارد از فقه پیروی کرده است.

۱.۴. کفویت در انتخاب همسر در رسانه ملی

رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی آنان از واقعیت اجتماعی را به‌صورت تدریجی و درازمدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. تلویزیون می‌تواند یک هنجار را در بین مردم با ارائه تصویر مثبت از آن به مخاطبین، رواج دهد و از آن‌سو با عدم ارائه یک رفتار، هم‌نوایی منفی ایجاد کند. لازم است برای انتخاب همسر مناسب و هم‌کفو از طریق رسانه‌ها و به‌ویژه تلویزیون فرهنگ‌سازی شود. اما آن‌چه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی در عمل شاهد هستیم، معمولاً سوق‌دهنده جوانان به سوی ویژگی‌های ظاهری برای گزینش همسر است و به ویژگی‌های درونی فرد توجهی نمی‌شود. در بسیاری از سریال‌ها دختران و پسران جوان با یک اتفاق ساده یا با یک

برخورد کوتاه، عاشق یکدیگر شده و بدون بررسی صفات و ویژگی‌های درونی همدیگر، اقدام به ازدواج می‌کنند و در پایان فیلم چنین ازدواج‌هایی به موفقیت ختم می‌شود. بدین ترتیب جوان بیش‌تر مسائل ظاهری را ملاک قرار می‌دهد و از توجه به ملاک‌های معنوی و اخلاقی از جمله دین‌داری و اخلاق که مورد تأکید فقه است، غافل می‌شود. به‌عنوان نمونه سریال مسافر و فیلم «عشق کافی نیست» عشق را ملاک ازدواج می‌داند در سریال «کمربندها را محکم ببندید» زیبایی ملاک‌گزینش همسر القا می‌شود. در سریال تب سرد موقعیت اجتماعی و اقتصادی والدین مورد تمرکز واقع می‌شود. البته اینها فقط به‌عنوان نمونه بیان شد (مهکام، ۱۳۸۳: ۲۴۸).

رسانه ملی که می‌توانست ضمن تصحیح نگرش‌ها، معیارها و ملاک‌های ازدواج، توجه خود را به انتخاب گزینه مناسب و هم‌سان سوق دهد، بر ناهم‌سان همسری به‌ویژه در موقعیت‌های اقتصادی و فرهنگی تأکید می‌کند، این در حالی است که علل تعدادی از طلاق‌ها به جهت فاصله و شکاف فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها می‌باشد (همان: ۲۵۰) بنابراین هیچ تطابقی بین ملاک‌های همسرگزینی در فقه و تلویزیون وجود ندارد.

۱.۵. ملاک‌های همسرگزینی در نظام تربیت رسمی

الف. آموزش انتخاب همسر در کتب درسی آموزش و پرورش: درسی تحت عنوان سبک زندگی در پایه هفتم و هشتم طراحی شده است که آموزش‌های لازم را در رابطه با آداب و مهارت‌های زندگی و خانواده به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد. در این کتب به نحوه انتخاب دوست اشاره شده اما هیچ اشاره‌ای به نحوه انتخاب همسر نکرده است. بنابراین آموزش کافی در این زمینه در کتب درسی وجود ندارد.

ب. آموزش انتخاب همسر در آموزش دانشگاه‌ها: بنا به بخشنامه شماره ۲۱/۲۴۵۲۸۱ مورخ ۲۸ اسفندماه ۹۱ وزارت عتف، درس دانش خانواده و جمعیت از سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به ارزش ۲ واحد جایگزین درس جمعیت و تنظیم خانواده گردید. درس تنظیم خانواده که تا پیش از این در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد دارای نواقصی بود و بخشی از ابعاد خانواده را نادیده گرفته بود که این امر منجر به تهیه و تدوین دوباره این درس شد. در بازنگری این درس مهمترین موضوعات مورد توجه در خانواده از جمله انتخاب همسر، همسرداری، پرورش فرزند، مسائل قبل و بعد از ازدواج، مورد توجه قرار گرفت. تنظیم جمعیت هم تحت عنوان مسائل مرتبط با جمعیت اصلاح شد.

بنابراین نظام آموزش و پرورش دانش‌آموزان را برای انتخاب همسر مناسب مطابق با ملاک‌های فقهی آماده نمی‌کند و در این زمینه سکوت کرده است. تغییر انجام شده در نظام آموزش دانشگاه در این راستا، اقدامی مثبت است هرچند جای کار بیشتری وجود دارد.

۱.۶. ایجاد پایگاه‌های مجازی برای انتخاب مناسب: راه اندازی پایگاهی مجازی برای از بین بردن مشکل انتخاب فرد مناسب برای ازدواج توسط معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان در راستای کفویت در انتخاب همسر صورت گرفته است که به عنوان اولین سایت مجاز در این زمینه فعالیت می‌کند. رویکرد این سایت هم‌سان‌گزینی است. این سامانه در حال حاضر بیش از صد نفر واسطه برای بررسی و پیدا کردن هم‌کفو جوانان دارد و البته در خود سایت، قسمتی برای ثبت نام این واسطین هم وجود دارد تا اگر مناسب و معتمد شناخته شدند، برای کمک به خدمت گرفته شوند.

۲. نیازهای جنسی در قانون

نیازهای جنسی در قانون به دو بخش نیازهای جنسی مرد و زن تقسیم می‌شود. نیازهای جنسی مردان ذیل دو تیتیر حق تمکین و حق فسخ ازدواج مورد بررسی قرار می‌گیرد و نیازهای جنسی زنان نیز ذیل سه تیتیر حق مواقعه و حق فسخ ازدواج و حق طلاق بررسی خواهد شد.

۲.۱. نیازهای جنسی مرد در قانون: طبق ماده (۱۱۰۸) قانون مدنی، تنها ضمانت اجرایی صریح قانونی مؤثر برای تخلف از وظیفه تمکین زوجه در قبال زوج، عدم استحقاق وی نسبت به نفقه عنوان شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «چنانچه زن از وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود». حق تمکین، یکی از حقوق مرد در زمینه نیازهای جنسی بود. یکی دیگر از این حقوق، حق فسخ ازدواج است. در قانون ایران عیوب مرد که باعث فسخ ازدواج می‌شوند عبارت است از عنن، جب، خصاء و عیوب زن شامل قرن و افضاء می‌شود. به این عیوب، در مواد ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی اشاره شده است. وجود دو عیب جنسی در زن، به مرد حق فسخ نکاح را می‌دهد. این دو عیب عبارت از قَرَن و افضاء است. قانون مدنی در ماده ۱۱۲۳ این دو عیب را در زمره عیوب زن برشمرده است.

۲.۲. نیازهای جنسی زن در قانون: نیازهای جنسی زن در سه بحث حق مواقعه، حق فسخ ازدواج و حق طلاق برای زن مورد بررسی قرار می‌گیرد. عدم ترک مواقعه بیش از ۴ ماه، از حقوق جنسی زن در فقه است که قانون مدنی به این مسأله به صراحت اشاره نکرده است. لیکن می‌توان آن را از مصادیق حسن معاشرت دانست و به ماده ۱۱۰۳ اشاره کرد: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند». یا از ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی نیز رفتار مطابق فقه و عرف و عادت در این زمینه را استنباط کرد: «قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستتکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد». اما درباره اختلالات جنسی مرد که فسخ عقد برای زن به همراه می‌آورد، در قانون ایران عبارت است از عنن، جب و خصاء. البته عیوب، در صورتی مجوز فسخ است که طرف مقابل از آن ناآگاه باشد. مطابق ماده ۱۲۵ قانون مدنی عنن حتی اگر بعد از عقد هم حادث شود، باعث ایجاد حق فسخ برای زن می‌شود. البته شرط است که این ناتوانی مطلق باشد یعنی مرد نتواند نسبت به هیچ زنی رابطه جنسی برقرار نماید.

مبنای ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی در خصوص عیوب موجب فسخ نکاح، احکام موجود در شریعت اسلامی است. در بند یک ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی پیش از اصلاحات سال ۱۳۷۰ شرط فسخ به موجب عنن را «رفع نشدن آن بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم دانسته بود»؛ اما در اصلاحات ۱۳۷۰/۰۸/۱۴ شرط فوق حذف شد و به جای آن مقرر شد «عنن به شرط این که و لو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد» موجب حق فسخ برای زن می‌باشد. حذف شرط تصریح شده در روایات، با نظر عده زیادی از فقهای گذشته و معاصر مغایرت دارد. درباره خصاء، اکثر فقها خصاء را به‌طور مطلق موجب حق فسخ دانسته‌اند و قانون مدنی نیز از همین نظریه پیروی کرده است. و اما درباره جب، ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی مقطوع بودن آلت تناسلی را به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد را موجب حق فسخ ازدواج دانسته است.

نکته‌ای که در مورد جب باید به آن اشاره کرد آن است که فقها با این که حکم فسخ نکاح را در حالت وجود این عیب از روایات مربوط به عنن استفاده کرده‌اند؛ لیکن وجود مهلت یک ساله برای فسخ را به این عیب تعمیم نداده‌اند. احتمالاً به این دلیل که درمان این عیب در گذشته به هیچ‌روی قابل تصور نبوده است. اما در قانون مدنی در صورت اختلالات جنسی مرد، برای زن حق طلاق وجود ندارد. مطابق ماده ۱۱۱۲ قانون مدنی، اگر مرد دارای بیماری‌های مقاربتی باشد، زن فقط می‌تواند از نزدیکی جلوگیری کند. ماده ۱۱۳۰ اصلاحی قانون مدنی در بعضی مواقع حق طلاق را به زن می‌دهد و مبنای فقهی آن، «قاعده نفی عسر و حرج» است. اما مصادیق عسر و حرج در این ماده اصلاحی، مشخص نشده بود. در سال ۱۳۷۷ با ارائه «طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی» به تعیین مصادیق عسر و حرج پرداختند. بند ۴ این ماده واحده، ابتلا به امراض مسری صعب‌العلاج یا هر عارضه دیگری که دوام زناشویی و سلامت زوجه را به خطر اندازد را از مصادیق عسر و حرج دانسته است و بند ۵ عقیم بودن زوج به نحوی که مانع اولاد دار شدن زوجه شود، از دیگر مصادیق عسر و حرج معرفی شده است.

۳. اخلاق در قانون

تکلیف مربوط به حسن معاشرت جنبه اخلاقی دارد، اما در قانون مدنی سوء معاشرت هر یک از زوجین تبعاتی دارد که قانون به آن اهتمام ورزیده است از آن جمله ماده ۱۱۰۳ ق. م که زن و شوهر را مکلف به حسن معاشرت می‌داند و ماده ۱۱۰۸ که می‌گوید اثر سوء معاشرت زن، بی‌بهره ماندن او از نفقه است و قانون ۱۱۱۱ که مربوط به سوء معاشرت مرد است. قانون در صورت استتکاف مرد از دادن نفقه و دیگر موارد، تدابیر لازم را اندیشیده است. در حقوق مدنی ماده ۱۱۰۴ به این موضوع اشاره دارد که: «زوجین باید در تشدید مبنای خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند».

یکی از ویژگی‌های ماهوی قاعده حقوقی، برخورداری از قدرت الزام و ضمانت اجرای مناسب است. قطع نظر از ضمانت اجرای طلاق که تنازع و اختلاف میان زوجین را برای همیشه مرتفع می‌سازد، عدم قابلیت تعیین ضمانت اجرا در حوزه خانواده به‌عنوان حریم خصوصی افراد، بیش‌تر نمود پیدا می‌کند؛ زیرا مجازات متخطی، مستلزم ورود دستگاه قضایی و دخالت در امور خانوادگی می‌شود. قانون‌گذار ایرانی به پیروی از قانون فقه به منظور جلوگیری از افزایش آمار طلاق و در

جهت بازگرداندن صلح و آرامش به کانون خانواده، نهاد داوری را در ساختار قضایی ایران قرار داده است. بعد از انقلاب طبق ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق ۱۳۷۱، داوری در همه طلاق‌ها اجباری دانسته شد. هم‌چنین نحوه دعوت از حکمین و بررسی صلاحیت داوران برعهده دادگاه و موکول به آیین‌نامه اجرایی گردید که این امر نشان‌دهنده دخالت دادگاه در دادرسی و بررسی صلاحیت داوران است؛ گرچه ممکن است داوران از طرف زوجین معرفی گردند. به‌علاوه، در صورتی که دادگاه بدون نظر داوران به صدور حکم طلاق یا گواهی عدم امکان سازش مبادرت نماید، این از موجبات نقض حکم در مرحله تجدیدنظر خواهد بود.

۳.۱. حسن معاشرت در رسانه ملی: تلویزیون می‌تواند از طریق فیلم و سریال، گفتگو با کارشناسان خانواده و مستندات، سهم بسیار مهم و تاثیرگذاری بر نهادینه کردن اخلاقیات در خانواده داشته باشد. در گفتگو با کارشناسان توصیه زیادی به مخاطبان برای رعایت حسن معاشرت در خانواده می‌شود. اما فیلم‌ها و سریال‌ها در این جهت حرکت نمی‌کنند. بعضی فیلم‌ها، مانند طلا و مس و نغمه این حسن معاشرت را به خوبی ترسیم می‌کند اما بسیاری از فیلم‌ها نه تنها در جهت حاکم کردن حسن معاشرت در خانواده نیست بلکه خشونت و مشاجره زوجین نتیجه آشکار این فیلم‌هاست. متأسفانه فیلم‌های سینمایی و سریال‌های زیادی در سال‌های گذشته به موضوع خیانت به نحوی پرداخته‌اند که در بدبینی زن و شوهر نسبت به یکدیگر اثرگذار است. فیلم‌هایی مثل «بازنده» و «سعادت‌آباد» علاقه مرد همسر دار به زن دوستشان را نشان می‌دهد و این امور نشان داده می‌شود بدون آن‌که تقیح شود. ولی زمانی که مردی عقد موقت یا ازدواج مجدد می‌کند آن را خیانت و نابخشودنی قلمداد می‌کنند، مثل سریال زمانه. این‌گونه بازنمایی‌ها علاوه بر ناسازگاری با مبانی اسلام، آثار منفی در خانواده‌ها می‌گذارد. نمایش زیاد رفتارهایی از این دست در سینما و رسانه به بدبینی خانواده‌ها و در نتیجه از بین رفتن آرامش آنان منجر می‌شود. اگر این اندازه که فیلم‌ها خیانت همسران را به نمایش می‌گذارد، ارتباط خوب میان همسران را برجسته می‌کردند، وضعیت خانواده‌ها بسیار بهتر بود (مهکام، همان: ۲۵۰). در بسیاری از فیلم‌ها شاهد اهانت زن و شوهر به هم هستیم. مثلاً در سریال «خداحافظ بچه» شاهد چنین مسأله‌ای هستیم. پژوهشی در اداره کل مطالعات صدا و سیما نقص رسانه ملی را وجود خشونت، درگیری و گفت و گوی تند اعضای خانواده و ترویج خانواده نامطلوب می‌داند (واحد تحلیل و رویکردشناسی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۱: ۸۲). این وضعیت رسانه ملی بر سینما نیز حاکم است. در

پژوهشی که به بررسی خشونت مردان بر ضد زنان و زنان بر ضد مردان در سینمای ایران در دو دوره (۱۳۶۵-۱۳۶۰) و (۱۳۸۲-۱۳۷۷) پرداخته، نتیجه می‌گیرد که در دوره دوم خشونت بیش از دوره اول بوده است (شرف‌الدین، ۱۳۷۸: ۱۵۶). این نشان از این مسئله دارد که وضعیت به سمت بدتر شدن می‌رود نه بهتر شدن.

۳.۲. حسن معاشرت در نظام تربیت رسمی: حسن معاشرت در کتاب آداب و مهارت‌های زندگی (سبک زندگی) در دوره اول متوسطه مورد بحث واقع شده و حسن معاشرت در خانواده را می‌توان ذیل بحث وظیفه در برابر خانواده گنجانده. هرچند بسیار مختصر و در حد یک پاراگراف است، اما دست معلمان باز است که ذیل این بحث حسن معاشرت در خانواده را آموزش دهند. آموزش مهارت‌های زندگی برای اولین بار در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۷ زیر نظر سازمان بهزیستی، یونیسف و با همکاری سازمان جهانی بهداشت در بعضی از مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به صورت غیر رسمی و آزمایشی به اجرا درآمد. از سال ۱۳۷۸ به عنوان یک درس دو واحدی و با نام مهارت‌های زندگی وارد برنامه درسی دوره متوسطه شد. هم‌زمان با آموزش و پرورش، اداره مبارزه با مواد مخدر نیز با همکاری سازمان بهزیستی اقدام به انتشار جزوات آموزشی و برگزاری کارگاه‌های آموزش مهارت زندگی در طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۵ در برخی شهرهای ایران کرد (جمعی از نویسندگان، راهنمای تدریس: ۱۷۷).

پس از تدوین راهنمای جامع آموزش آداب و مهارت‌های زندگی و تصویب آموزش آداب و مهارت‌های زندگی به عنوان یک حوزه یادگیری در سند برنامه درسی ملی سال ۱۳۹۱، نخستین کتاب درسی برای سال اول متوسطه در این سال تالیف شد و مقرر گردید که از سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در مدارس دوره اول متوسطه (پایه‌های ۷ و ۸ و ۹) و به دنبال آن این برنامه در پایه دوم متوسطه در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ در دوره متوسطه در پایه دهم و یازدهم به اجرا درآمد. (همان: ۱۷۸) حسن معاشرت در آموزش دانشگاه، در روابط زوجین و به صورت کلی خانواده، ذیل درس عمومی دانش خانواده و جمعیت قابل طرح و بررسی است.

۴. فرزندآوری در قانون

اولین بار بعد از انقلاب در تاریخ ۸ اسفند سال ۱۳۶۷ سیاست‌های کنترل جمعیت به هیأت دولت ارائه شد. در این سیاست تعدیل موالید تا سقف سه فرزند به عنوان هدف اصلی منظور شده

بود. در سال ۱۳۳۸ این سیاست رسمی، تحت عنوان «تنظیم خانواده» اتخاذ شد و اجرای آن به وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و آموزش عالی، آموزش و پرورش، صدا و سیما و سازمان‌های ذیربط دیگر واگذار شد. در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ قانون تنظیم خانواده مشتمل بر ۴ ماده و ۲ تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. سیاست کنترل جمعیت تا پایان دولت اصلاحات پیگیری شد؛ اما با روی کار آمدن دولت نهم تجدیدنظری در این سیاست‌ها صورت گرفت. مجلس نهم لایحه پیشنهادی دولت مبنی بر رفع محدودیت‌ها و افزایش مرخصی زایمان را به همراه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص افزایش نرخ باروری را مورد بررسی قرار داد و سپس کلیات لایحه اصلاح قوانین تنظیم خانواده در تاریخ ۹۱/۱۲/۲ به تصویب رسید.

مصوبات جمعیتی شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در ۵ ماده و ۶ تبصره در جلسات ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱ و ۷۱۲ مورخ ۹۱/۱/۲۲، ۹۱/۲/۵، ۹۱/۲/۱۹ و ۹۱/۳/۲ طی ماه‌های فروردین تا خرداد به تصویب رسید. در راهبردهای ملی این مصوبه به فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری به‌ویژه تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب، جمعیت مطلوب و لغو سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری، تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به‌منظور ایفای هر چه کامل‌تر نقش مادری و همسری مورد توجه واقع شده است.

در راستای سیاست‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، برای بازنگری و وضع قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی فرزندآوری به صورت پلکانی با رعایت سه معیار سن ازدواج، فاصله مولید و تعداد فرزندان الزاماتی پیش‌بینی شده است که شامل پوشش بیمه اجباری درمان رایگان مادر و کودک از ابتدای بارداری تا پایان دو سالگی کودک برای کسانی که فاقد پوشش بیمه درمانی‌اند، اختصاص سبد تغذیه رایگان ماهانه به صورت بن کالا شامل؛ پروتئین، لبنیات، برنج و حبوبات به میزان یک تا دو میلیون ریال به مادران باردار و دارای فرزند دو سال حداقل برای سه دهک درآمدی پایین و نیازمندان بر اساس ارزش ریالی سال ۱۳۹۰ به عنوان سال پایه می‌شود که البته طبق تبصره‌ای اقلام سبد تغذیه رایگان توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌شود. در این

مصوبه سیاست‌های جمعیتی، افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان به ۹ ماه و مرخصی بدون حقوق به ۲۱ ماه و جمعاً به مدت ۳۰ ماه به ازای هر فرزند و در مجموع ۱۰ سال به صورت شناور با حفظ شغل برای کلیه شاغلان بخش دولتی و غیردولتی نیز پیش‌بینی شده است.

۴.۱. فرزندآوری در رسانه ملی: در سال‌های اخیر رسانه‌های گروهی از جمله رسانه ملی به تبعیت از سیاست کنترل جمعیت مطالب زیادی همسو با این سیاست‌ها منتشر کردند. اما بازهم سیاست رسانه ملی و سینما در بعضی برنامه‌ها خصوصاً فیلم‌ها، در جهت تشویق مردم به فرزندآوری نیست. در بسیاری از فیلم‌ها، خانواده‌ها یا فرزند ندارند یا از یک یا دو فرزند تشکیل شده‌اند. مثل فیلم «جدایی نادر از سیمین»، «سعادت‌آباد»، «دل‌شکسته» و... . در برخی فیلم‌ها تعداد فرزند خانواده‌های ثروتمند با خانواده‌های فقیر متفاوت نشان داده می‌شود. خانواده‌هایی که زندگی خوبی دارند با تعداد فرزند کم‌تر نمایش داده می‌شوند. در حالی‌که خانواده‌هایی که آرامش کمی دارند با فرزندان زیاد. دیگر مسأله‌ای که فیلم‌ها به آن دامن می‌زنند و بر کاهش نرخ مولید اثرگذار است، تحقیر نقش پدری و مادری است (شرف‌الدین، همان: ۱۴۹).

۵. مدیریت اقتصاد خانواده در قانون

یکی از موارد مدیریت اقتصاد خانواده، اصلاح الگوی مصرف در خانواده است. دومین سند مربوط به خانواده «طرح اصلاح الگوی مصرف در خانواده» مصوبه آذرماه ۱۳۸۸ است که در بردارنده مقدمه، اصول، اهداف، راهبردها و راهکارهاست. پیش‌فرض حاکم بر این سند آن است که عامل اصلی در مصرف‌گرایی خانواده ایرانی، سستی نگرش‌هاست و اصلاح نگرش‌ها را باید در برنامه‌های آموزشی پی گرفت؛ از این رو آموزش محوری یکی از اصول حاکم بر سند شمرده شده است.

۵.۱. مدیریت اقتصاد خانواده در رسانه ملی: در حالی‌که نقطه تمرکز سیاست‌های مصوب بر اصلاح نگرش‌ها در زمینه مصرف‌گرایی است، رسانه‌ها در جهت‌گیری‌هایی کاملاً ناسازگار، بر تغییر گرایش‌ها و حساسیت‌ها تمرکز کرده و زمینه‌ساز تحولات زیاد در الگوی مصرف شده‌اند. (اقتصاد نیوز، کارنامه ۳ دولت در زمینه مبارزه با بیکاری، کد خبر: ۱۶۵۱۹۴، ۹۶۷۰۱/۲۵). تجمل‌گرایی موجود در سریال‌های تلویزیونی نه تنها باعث پیشرفت و شکوفایی اقتصادی خانواده‌ها نمی‌شود، بلکه با اقتصاد اکثر خانواده‌های ایرانی منافات دارد و نارضایتی از وضعیت اقتصادی را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. همچنین گاهی مفاصد اقتصادی را به جامعه تحمیل

می‌کند و با ترویج مصرف‌گرایی باعث وابستگی به جوامع دیگر و این وابستگی، زمینه‌ساز سلطه فرهنگی و اقتصادی بیگانگان می‌شود. نکته دیگر در این زمینه این است که در ساخت و تولید سریال‌ها، تمامی فکر و ذهن خود را بر روی قشر مرفه که درصد خیلی کمی از جامعه را دربر می‌گیرد، متمرکز می‌شوند. در حالی که اگر در دنیای واقعی قدم بگذاریم و سیری در حالات و احوال معاش مردم جامعه کنیم متوجه وارونگی تصاویر بازتاب داده شده از واقعیت اجتماعی خواهیم بود، واقعیتی که بازخورد آن را به عینه می‌توان در توقعات بی‌جا و گرایش به مصرف، کاهش تقدینگی و ضربه به بنیه اقتصاد خانواده‌ها شاهد بود (فرقانی، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

نمایش فیلم‌هایی که دختر و پسر، صاحب‌خانه‌ای مجلل و مرفه با سرویس مبلمان و پذیرایی و ماشین آخرین مدل و لوازم لوکس منزل و ... هستند، می‌تواند به معنای تشویق جوانان به ازدواج باشد؟! یا آن‌که با این رویه به‌طور غیرمستقیم ضمن تغییر ارزش‌های آن‌ها، سطح توقعات آنان را افزایش داده و احساس محرومیت نسبی را در آن‌ها ایجاد می‌کنیم (محبی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

۵.۲. مدیریت اقتصاد خانواده در نظام تربیت رسمی: در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی

پایه‌های ششم و هفتم ۲۲ عبارت به «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» پرداخته است. بنابراین مقابله با اسراف مورد توجه قرار گرفته است اما به مولفه‌های «رشد سریع‌تر مصرف نسبت به تولید»، «مصرف ناعادلانه»، «اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی» مورد توجه قرار نگرفته است (انصاری، ۱۳۹۳: ۶۳).

در جمگی صفحات کتب مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم و هفتم به مصرف توأم با اتلاف و اسراف ۳۵۸/ پرداخته شده است. اما به اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید اشاره کمی شده است. در کتب هدیه پیام‌های آسمانی پایه‌های ششم و هفتم به مصرف توأم با اتلاف پرداخته شده اما به مولفه‌های دیگر مصرف توجه نشده است. در کتب علوم تجربی پایه‌های ششم و هفتم، به «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید»، «مصرف توأم با اتلاف و اسراف»، «رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی» پرداخته شده است. مولفه «مصرف ناعادلانه» و «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» در کتب درسی هدیه‌های آسمانی پایه هفتم مورد توجه قرار گرفته است (همان، ۶۴-۴۴). بنابراین به صورت کلی این موضوع در کتاب‌های درسی مورد توجه قرار گرفته است. اما به تمام مولفه‌ها و شاخصه‌های آن توجه نشده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پرسش اصلی مدّ نظر پژوهش این بود که آیا اقدامات دولت برای استحکام خانواده مطابق با فقه است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا دیدگاه‌های فقه در زمینه عوامل تحکیم خانواده مورد بررسی قرار گرفت و الگوی مطلوب از دل فقه استخراج شد و سپس اقدامات دولت با این الگو تطابق داده شد. هم‌کفو بودن در گزینش همسر، اخلاق نیکو، تأمین نیازهای جنسی، فرزندآوری، ساختار قوامیت مرد و تأکید بر تفکیک نقش‌های جنسیتی مرد و زن و مدیریت اقتصادی خانواده از مؤلفه‌های تحکیم خانواده هستند که فقه بر آنان تأکید می‌کند. اما در بحث اقدامات دولت در زمینه تحکیم خانواده، با بررسی قوانین و رسانه ملی و اقدامات اجرایی دولت ذیل مؤلفه‌های استخراج شده از دل فقه می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که در سراسر قوانین مدنی در بخش نکاح، توجه به همتایی و هم‌سانی زوجین و مؤلفه‌های اثرگذار در آن مشهود است. می‌توان ادعا نمود که قانون مدنی به نوعی از لزوم کفایت اقتصادی و شغلی و جنسی در بحث آثار نکاح سخن به میان آورده است. اما آنچه در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی مشاهده می‌شود، معمولاً سوق‌دهنده جوان به ناهمسان‌همسری است. در بسیاری از سریال‌ها دختران و پسران جوان با یک اتفاق ساده یا با یک برخورد کوتاه، عاشق یکدیگر شده و در پایان فیلم چنین از دواچهایی به موفقیت ختم می‌شود.

درباره تأمین نیازهای جنسی، در قانون به حق تمکین مرد توجه شده و ضمانت اجرایی برای تخلف از آن در نظر گرفته است. اما نکته‌ای وجود دارد که با فقه در تعارض است. مبنای ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی در خصوص عیوب موجب فسخ نکاح، احکام موجود در شریعت اسلامی است. قانون مدنی پیش از اصلاحات سال ۱۳۷۰ شرط فسخ به موجب عنن را «رفع نشدن آن بعد از گذشتن مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به حاکم دانسته بود» بند یک ماده ۱۱۲۲؛ اما در اصلاحات ۱۳۷۰/۰۸/۱۴ شرط فوق حذف و به جای آن مقرر شد «عنن به شرط این که و لو یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد» موجب حق فسخ برای زن می‌باشد. حذف شرط تصریح شده در روایات، با نظر عده از فقهای گذشته و معاصر مغایرت دارد. چنین شرطی حتی در مذاهب اهل تسنن و ادیان دیگر نیز وجود دارد.

درباره حسن معاشرت قوانین متناسب با نظر مشهور فقهاست و در اجرا سوء معاشرت مرد ضمانت اجرایی ندارد. در حالی که متناسب با نظر آیت‌الله سیستانی اگر عمل می‌شد ضمانت اجرایی سوء معاشرت طلاق زن توسط قاضی بود. در حسن معاشرت نیز در بسیاری از فیلم‌ها این حسن

معاشرت دیده نمی‌شود. در برخی فیلم‌ها خشونت و مشاجره زوجین آشکارا مشاهده می‌شود. متأسفانه رسانه‌ها نقش اساسی در ترویج چنین خشونت‌های خانوادگی دارند.

درباره فرزندآوری، سیاست‌های فرزندآوری دولت‌ها بعد از انقلاب که در ابتدا با اجبار مردم برای تنظیم خانواده همراه بود با سیاست‌های فقهی از منظر فردی تضاد داشت و سیاست‌های کنونی نیز، یعنی سیاست‌های تشویقی و به گونه‌ای فشار و اجبار به مردم برای فرزندآوری با فقه فردی تناسبی ندارد، البته تشویق مردم را می‌توان متناسب با فقه اجتماعی دانست. اما سیاست‌های اجباری به نظر می‌رسد تناسبی با فقه نداشته باشد سیاست رسانه در تشویق مردم به فرزندآوری هنوز متناسب با سیاست‌های تنظیم خانواده در دوره‌های قبلی است.

درباره ساختار خانواده، ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی می‌گوید ریاست خانواده از خصایص شوهر است. اما ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده با مفهوم ریاست شوهر بر خانواده سازگار نیست. در قسمت پایانی ماده (۱۸) قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ مقرر می‌دارد که زن نیز می‌تواند از دادگاه تقاضای منع شوهر از اشتغال به شغلی که خلاف شأن خانواده است را داشته باشد. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، مرد را منع می‌کند. همچنین قانون تفکیک نقش‌ها را پذیرفته اما بعضی موارد مانند؛ اشتغال تمام وقت بانوان و ساعات کار غیرقابل انعطاف و غیرشناور آنان و موظف بودن آنان به انجام ۴۴ ساعت کار هفتگی (مشابه و مساوی با مردان) چندان تناسب و هم‌خوانی با این اصل نداشته باشد.

اما باز هم رسانه و سینما، هم ساختار قوامیت مرد را زیر سؤال می‌برد و هم تفکیک نقش‌ها را رد می‌کند. به نظر می‌رسد که مخدوش کردن نقش والدین در اغلب فیلم‌ها و عقب‌نشینی والدین به نفع حاکمیت فرزندان و نمایش فرزندسالاری در موضوع ازدواج جوانان، بیش از پیش مشهود است. در نظام تربیت رسمی نیز شاهد دوگانگی درباره توزیع قدرت در خانواده و تفکیک نقش‌ها هستیم. از یک‌سو نگاه غالب در کتب درسی به دنبال تثبیت ساختار قوامیت مرد در خانه و تفکیک نقش زن و مرد است. از سوی دیگر تلاش‌هایی برای شکستن این ساختار صورت می‌گیرد. در اصلاح الگوی مصرف قوانین برای آموزش مردم طراحی شده، در حالی که ادارات دولتی بیش‌ترین میزان اسراف و تجمل را دارند و قوانین باید ابتدا اصلاح الگوی مصرف بخش‌های دولتی را طراحی کنند.

منابع

- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۸۵)؛ المذهب البارع، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)؛ لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۳۸۶)؛ السرائر، قم، انتشارات اسلامی.
- انصاری، عبدالله (۱۳۹۳)؛ ارزشیابی مؤلفه های اصلاح الگوهای مصرف و تولید در کتاب های درسی پایه های ششم و هفتم، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۳.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۲)؛ المکاسب، قم، مجمع فکر الاسلامی.
- جبلی عاملی، زین الدین بن علی (بی تا)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)؛ وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت (ع).
- حکمت نیا، محمود و دیگران (۱۳۸۶)؛ فلسفه حقوق خانواده، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- شرف الدین، حسین (۱۳۷۸)؛ تحلیلی اجتماعی از صلح رحم؛ کلیاتی از ابعاد فقهی صلح و قطع رحم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۹۲)؛ شرح لمعه، ترجمه علی شیروانی، کتاب نکاح، قم، انتشارات دارالعلم.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۱)؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بیروت: انتشارات دارالعالم الاسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۸۷)؛ مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۴)؛ العروة الوثقی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۸)؛ المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه مرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)؛ النهایه، ترجمه فارسی مجلد نخستین بکوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران: بی نا، بی تا.
- علا سوند، فریبا (۱۳۹۱)؛ تعامل خانواده و دولت، کتاب اندیشه های راهبردی زن و خانواده، تهران، پیام عدالت.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۰)؛ تذکره الفقها، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۳۷۶)؛ ناصریات، در سلسله النبیغ الفقهی ج ۱۸، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۳۷۶)؛ کشف الثام، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم.
- فرقانی، محمدهدی و گنجه لو پور، زهرا (۱۳۹۲)؛ تأثیر تجمل گرایی در سریال های تلویزیونی بر اقتصاد خانواده، مجله مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۸۶.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی (۱۴۱۸)؛ الاصفی فی تفسیر القرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)؛ اصول کافی، تهران، نور.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)؛ بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰)؛ رد پای سطحی نگری در رسانه ها، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۳.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳)؛ شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، بیروت، دار الاضواء.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۳۷۰)؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲)؛ المقنعه، بیروت: دار المفید.
- مهدوی، محمد صادق؛ صبوری خرمشاهی، حبیب (۱۳۸۲)؛ بررسی ساختار- توزیع قدرت در خانواده، مجله مطالعات اجتماعی

- روان‌شناختی، شماره ۲.

- مهکام، رضا (۱۳۸۳)؛ تصویر ازدواج در رسانه ملی، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۵.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، رساله توضیح المسائل، مشهد، نشر هاتف.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیله، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵)؛ کلمات سدیدیه فی مسائل جدیدیه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- نای، جوف، (۱۳۸۳)؛ کاربرد قدرت نرم، ترجمه: سید رضا میر طاهری، فصلنامه راهبردی دفاعی، شماره ۶.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲)؛ جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، احمد (۱۳۷۳)؛ مستند الشیعه، مشهد، موسسه آل‌ال‌بیت (ع).
- نراقی، ملا احمد (بی تا)؛ معراج السعاده، تهران، انتشارات رشیدی.
- واحد تحلیل و رویکردشناسی مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما (۱۳۹۱)؛ گزارشی از تحلیل و بررسی مجموعه تلویزیونی «خداحافظ بیچه»، رسانه و خانواده، شماره ۴.
- فیض کاشانی، محسن (بی تا)؛ محجۀ البیضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲) المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دار القلم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷)؛ من لا یحضره الفقیه، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم.
- توضیح المسائل مراجع بی تا، پورتال انهار، جامع‌ترین وب سایت در زمینه احکام و مسائل شرعی از کلیه مراجع عظام تقلید.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)؛ مجموعه مقالات قدرت نرم ۳، باقری، سیامک، مقاله بسیج و مدیریت قدرت نرم؛ رویکردی سیستمیک، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- واتانابه، یاسوشی و مک کانل، دیوید ال (۱۳۸۹)؛ فرهنگ عامه و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، ترجمه محمد روحانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بروجردی، سید حسین (۱۴۲۲)؛ جامع الاحادیث الشیعه قم، المهر.
- رحیمی، مرتضی (۱۳۹۲)؛ مفهوم و مصادیق خیانت از دیدگاه امام رضا (ع)؛ مجله فرهنگ رضوی، ش ۲.
- علی داننده و دیگران (۱۳۸۹)؛ راهنمای تدریس آداب و مهارت‌های زندگی، کتاب راهنمای تدریس معلم دروس پرورشی دوره متوسطه پایه دوم و سوم، تبریز: فروزش.
- حق‌شناس، جعفر (۱۳۸۸)؛ آسیب‌شناسی خانواده، تهران، نهاد ریاست جمهوری، مرکز امور زنان.